





دانشکده اصول الدین
USUL AL DEEN COLLEGE
غیردولتی غیرانتفاعی

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

دانشکده اصول الدین قم

گروه فقه و حقوق اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد

بررسی ماهیت نظریه حق الطاعه و مبانی و ثمرات فقهی و حقوقی آن با
تاکید بر نظریه‌ی شهید آیت الله سید محمد باقر صدر (ره) و آیت الله سید

محمد محقق داماد (ره)

استاد راهنما:

دکتر محمد جواد حیدری خراسانی

نگارش:

احمد بختیاری زاده

زمستان ۱۳۹۳



دانشکده اصول الدین

USUL AL DEEN COLLEGE

غیردولتی غیرانتفاعی

کلیه اصول الدین قم

قسم الفقه و الحقوق الاسلامی

رسالة ماجستير

دراسة لحقیقة نظریة حق الطاعة؛ و اسسها و ثمراتها الفقهیة و الحقوقیة مع التاكید

على نظریة الشهید آية الله السید محمد باقر الصدر (ره) و آیت الله السید محمد محقق

الداماد (ره)

استاذ المشرف:

الدكتور محمد جواد حیدری خراسانی

اعداد:

احمد بختیاری زاده

السنة ١٤٣٦

تقدیم به:

صاحب الامر **حضرت ولی عصر** عجل الله تعالی فرجه الشریف

تقدیم به کریمه‌ی اهل بیت ؛ دُخْتُ الإِمَامِ **المُوسَى بْنِ الجَعْفَرِ** علیه السلام

و أُخْتُ الإِمَامِ **عَلَى بْنِ المَوْسَى الرِّضَا** علیه السلام

حضرت فاطمه المعصومه سلام الله علیها

تقدیم به پدر و مادر عزیزم . . .

تقدیر و سپاسگزاری

« مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ »

بر خود وظیفه می‌دانم در راستای قدردانی و سپاسگذاری و ارج نهادن به مقام والا و شامخ استاد و معلم؛ از تمامی اساتید گرامی در دوره کارشناسی در دانشگاه قم و اساتید گرامی در دوره کارشناسی ارشد در دانشکده اصول الدین قم به خصوص مدیر گروه محترم گروه فقه و حقوق جناب آقای **دکتر محمد رصافی** و کادر آموزشی و کارکنان دانشکده شریف اصول الدین قم تقدیر و تشکر می‌نمایم.

تشکر ویژه را از استاد گرامی و بزرگوارم جناب **حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد جواد حیدری خراسانی** استاد دوره کارشناسی در دانشگاه قم و دوره کارشناسی ارشد در دانشکده اصول الدین قم که موضوع حق الطاعه را ارائه نموده و راهنمای اینجانب در امر تدوین این پایان نامه بودند؛ دارم.

با آرزوی توفیق روز افزون و عاقبت به خیری در پناه توجهات **حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)** از خداوند متعال برای اساتید گرامی.

چکیده

یکی از تفاوت‌های عمده اخباریان و اصولیان؛ در جریان و عدم جریان براءت عقلیه و شرعیه می‌باشد. مشهور محدثین اخباری اگرچه براءت شرعیه را در شبهات وجوبیه پذیرفته‌اند؛ اما در شبهات تحریمیه همگی قائل به اصاله الاحتیاط گردیده‌اند و اصاله البرائت را قبول نکرده‌اند؛ در مقابل، علمای اصول که همه‌ی شبهات چه تحریمیه و چه وجوبیه بعد از فحص و یأس از دلیل با خیالی آسوده و دلیلی محکم به ادله‌ی نقلیه و عقلیه براءت جاری کرده‌اند.

نگرشی بر نوآوری‌های فقهی و اصولی آیت الله شهید سید محمد باقر صدر (قدس سره) و نیز مرحوم آیت الله سید محمد محقق داماد (ره) نشان می‌دهد که ایشان به استناد قاعده‌ی عقلی "حق الطاعه و المولیة" نه تنها بداهت اصل براءت را زیر سوال می‌برند بلکه با مطرح کردن نظریه "حق الطاعه و المولیة" در واقع قاعده و اصل جدیدی را مطرح می‌سازند که ثمرات و آثاری کاربردی بر آن مترتب می‌باشد.

شهید صدر (ره) بر خلاف مشهور اصولیان، معتقد است در مواردی که احتمال تکلیف وجود داشته باشد و تکلیف مشکوک باشد، عقل حکم می‌کند که از مسلک حق الطاعه پیروی گردد.

لذا با توجه به اثر پذیری از مباحث اصولی ایشان این پایان نامه شامل مباحث ذیل می‌باشد:

در فصل اول این تحقیق به مفاهیم و کلیات؛ شامل تعریف مفاهیم و واژگان کلیدی، پیشینه و تاریخچه حق الطاعه، مبانی و اهداف و روش تحقیق و ثمرات فقهی و حقوقی نظریه حق الطاعه می‌پردازیم. فصل دوم اختصاص به اثبات نظریه حق الطاعه به وسیله‌ی اصل احتیاط دارد. فصل سوم دیدگاه‌ها در خصوص نظریه حق الطاعه و مبانی آن به خصوص دیدگاه آیت الله سید محمد محقق داماد (ره) و شهید آیت الله سید محمد باقر صدر (ره) بیان کننده و نوآور نظریه حق الطاعه را در بر دارد. و سپس در آخر در فصل چهارم به نقد قاعده "قیح عقاب بلا بیان" و براءت عقلی و اثبات نظریه حق الطاعه و ادله آن خواهیم پرداخت.

کلید واژه:

حق الطاعه، احتیاط، حق مولویت، قیح عقاب بلا بیان، براءت، تجری.

فهرست مطالب

۱ مقدمه

فصل اول: مفاهیم و کلیات ۳

۱-۱- بیان مساله تحقیق ۴

۱-۲- ضرورت، اهمیت و جایگاه موضوع ۵

۱-۳- انگیزه انتخاب موضوع ۵

۱-۴- سوالات تحقیق ۶

۱-۵- ثمرات نظریه حق الطاعه ۷

۱-۵-۱- ثمرات فقهی نظریه حق الطاعه ۷

۱-۵-۲- ثمرات حقوقی نظریه حق الطاعه ۱۰

۱-۵-۳- ثمرات اصولی نظریه حق الطاعه ۱۶

۱-۵-۴- ثمرات کلامی نظریه حق الطاعه ۲۱

۱-۶- پیشینه و تاریخچه تحقیق ۳۰

۱-۷- معرفی افراد شاخص در طرح نظریه ۳۴

۱-۸- روش تحقیق ۳۶

فصل دوم: اثبات نظریه حق الطاعه به وسیله اصل احتیاط ۳۷

۱-۲- تعریف اصل احتیاط ۳۸

۱-۱-۲- تعریف لغوی احتیاط ۳۸

۱-۲-۲- تعریف اصطلاحی احتیاط ۳۸

| | |
|----|-------------------------------------------------------------------|
| ۴۰ | ۲-۲- تقسیمات اصل احتیاط..... |
| ۴۰ | ۳-۲- ادله‌ی اصولیان در اثبات احتیاط و رد براءت..... |
| ۴۰ | ۲-۳-۱- ادله قرآنی احتیاط..... |
| ۴۲ | ۲-۳-۲- ادله روائی احتیاط..... |
| ۴۲ | ۲-۳-۳- دلیل عقلی احتیاط..... |
| ۴۴ | ۲-۴- مراتب چهارگانه‌ی اطاعت یا امتثال..... |
| ۴۴ | ۲-۴-۱- امتثال تفصیلی..... |
| ۴۴ | ۲-۴-۲- امتثال علمی اجمالی..... |
| ۴۴ | ۲-۴-۳- امتثال ظنی..... |
| ۴۴ | ۲-۴-۴- امتثال احتمالی..... |
| ۴۴ | ۲-۵- موارد وجوب احتیاط..... |
| ۴۶ | ۲-۶- اقسام براءت و جواب نظریه حق الطاعه در رد دلایل آن..... |
| ۵۲ | ۲-۷- مقتضای واقعی حدیث رفع..... |
| ۵۸ | ۲-۸- تعریف تجرّی..... |
| ۵۸ | ۲-۹- اقسام تجرّی..... |
| ۶۱ | ۲-۱۰- قاعده ملازمه و استحقاق عقوبت در تجرّی..... |
| ۶۱ | ۲-۱۱- تجرّی و استحقاق کیفر با توجه به دلیل نظریه‌ی حق الطاعه..... |
| ۶۲ | ۲-۱۲- معنای علم اجمالی..... |
| ۶۴ | ۲-۱۲-۱- استحقاق عقاب در اثر ارتکاب برخی از اطراف علم اجمالی..... |
| ۶۴ | ۲-۱۲-۲- کفایت علم اجمالی در امتثال..... |

فصل سوم: دیدگاهها در خصوص نظریه حق الطاعه و مبانی آن ۶۸

| | |
|----|----------------------------------------------------------|
| ۶۹ | ۳-۱- احتیاط عقل..... |
| ۷۰ | ۳-۲- حق اطاعت در تکالیف ظنی..... |
| ۷۰ | ۳-۲-۱- نظریه شهید صدر(ره) در حق اطاعت در تکالیف ظنی..... |
| ۷۱ | ۳-۲-۲- نظریه مشهور اصولیان در احتیاط در تکالیف ظنی..... |
| ۷۲ | ۳-۳- ادله احتیاط عقلی..... |

| | |
|----|-----------------------------------------------------------------------|
| ۷۲ | ۱-۳-۳- دلیل اول: وجود علم اجمالی در شبهات |
| ۷۲ | ۲-۳-۳- دلیل دوم: لزوم دفع ضرر محتمل |
| ۷۳ | ۱-۲-۳-۳- قاعده لزوم دفع ضرر محتمل در کلام متأخران |
| ۷۵ | ۲-۲-۳-۳- دیدگاه شهید صدر(ره) بر قاعده «لزوم دفع ضرر محتمل» |
| ۷۶ | ۳-۲-۳-۳- نتیجه بررسی کلام متأخران بر قاعده «لزوم دفع ضرر محتمل» |
| ۷۶ | ۳-۳-۳- دلیل سوم: تمسک به اصالة الحظر |
| ۷۶ | ۴-۳-۳- دلیل چهارم: حکم عقل به حق الطاعة |
| ۷۷ | ۴-۳- منجزیت علم اجمالی |
| ۷۸ | ۵-۳- انواع علم اجمالی |
| ۸۰ | ۶-۳- انحلال علم اجمالی |
| ۸۷ | ۷-۳- ارکان علم اجمالی |
| ۹۶ | ۸-۳- روایات و جوب احتیاط |

فصل چهارم: نقد قاعده " قبح عقاب بلا بیان " و اثبات نظریه حق الطاعة ۱۰۴

| | |
|-----|------------------------------------------------------------------------------------|
| ۱۰۵ | ۱-۴- نقد قاعده " قبح عقاب بلا بیان " |
| ۱۰۵ | ۲-۴- بیان برخی از شاگردان شهید صدر در نقد قاعده " قبح عقاب بلا بیان " |
| ۱۰۶ | ۱-۲-۴- بیان آیت الله سید محمد محقق داماد(ره) در نقد قاعده " قبح عقاب " |
| ۱۰۶ | ۲-۲-۴- بیان آیت الله شبیری زنجانی در نقد قاعده " قبح عقاب بلا بیان " |
| ۱۰۸ | ۳-۲-۴- بیان آیت الله مکارم شیرازی در نقد قاعده " قبح عقاب بلا بیان " |
| ۱۱۰ | ۳-۴- بیان میرزای نائینی در نقد قاعده " قبح عقاب بلا بیان " |
| ۱۱۱ | ۴-۴- بیان برخی از معاصران شهید صدر (ره) در نقد قاعده قبح عقاب بلا بیان |
| ۱۱۱ | ۱-۴-۴- بیان آیت الله سید محمد حسین روحانی در نقد قاعده " قبح عقاب بلا بیان " |
| ۱۱۵ | ۵-۴- اشکالی اساسی به نظریه " قبح عقاب بلا بیان " |
| ۱۱۶ | ۶-۴- سه نحوه‌ی مولویت از دیدگاه شهید صدر(ره) |
| ۱۱۶ | ۱-۶-۴- مولویت ذاتی |
| ۱۱۶ | ۲-۶-۴- مولویت مجعول از ناحیه مولای مولای ذاتی |
| ۱۱۶ | ۳-۶-۴- مولویت مجعول از سوی اشخاص |

| | |
|-----|-------------------------------------------------------------------|
| ۱۱۸ | ۷-۴- سه فرضیه در رابطه با مولویت خداوند |
| ۱۱۸ | ۱-۷-۴- فرضیه اول |
| ۱۱۸ | ۲-۷-۴- فرضیه دوم |
| ۱۱۸ | ۳-۷-۴- فرضیه سوم |
| ۱۲۰ | ۸-۴- بیان شهید صدر (قدس سره) در نقد قاعده " قبح عقاب بلا بیان " |
| ۱۲۱ | ۹-۴- منشأ به خطا افتادن مشهور علما در نظریه‌ی حق اطاعت |
| ۱۲۱ | ۱۰-۴- آیات الاحکام حق الطاعة |
| ۱۲۳ | نتیجه گیری |
| ۱۲۵ | منابع و مأخذ |
| ۱۲۹ | مجلات و مقالات |

مقدمه

ریشه بحث حق الطاعه مثل بسیاری از بحث‌های اصولی دیگر همچون حجیت قطع و توابع آن به این بر می‌گردد که آیا فقط تکالیف مقطوع را شامل می‌شود یا تکالیف مظنون و محتمل را نیز در بر می‌گیرد؟

اصولیان معتقدند اصل اولی عقلی در شبهات بدوی، بعد از فحص و یأس از دلیل و نیز اصل ثانوی شرعی برائت است.

شهید صدر (ره) آن را پایه گذاری فرمود. عقل عملی می‌گوید که احتیاط خوب و کاری شایسته است و بدهکار نداشتن (برائت ذمه) مکلف نسبت به تکالیف ظنی و احتمالی شرعی قبیح است لذا همین عقل عملی حکم می‌کند که حق اطاعت شارع شامل تکالیف ظنی و احتمالی هم می‌شود که آن را نظریه‌ی حق الطاعه نامیدند. لذا اصل اولی عقلی اصاله الإحتیاط و اصاله الإشتغال عقلی است یعنی باید نسبت به تکالیف ظنی و احتمالی احتیاط کرد مگر آنکه خود شارع حکم کند که آنگاه در این تکالیف احتیاط لازم نیست.

ست؛ ولی شهید صدر (ره) در این که اصل اولی عقلی برائت باشد، با مشهور اصولیان مخالف است.

شهید صدر (ره) معتقد است دایره حق مولا موسع است و شامل تکالیف محتمل هم می‌شود. به عقیده‌ی وی؛ عقل با نظر به مولویت خداوند متعال؛ که مجعول و محدود نیست؛ در تمام شبهات، حتی اگر شبهه‌ی تکلیف ناشی از احتمالی ضعیف باشد، حکم به احتیاط می‌کند.

مولویت مقوله‌ای مشکک است که عقل آن را به واسطه ملاکاتی چون «شکر منعم»، «خالقیت»، «مالکیت» یا «رازقیت» درک می‌کند و هر جا که ملاک مولویت بیش تر باشد حق اطاعت موسع تر است، به گونه‌ای که ممکن است در برخی مراتب ملاک، سعه حق اطاعت فقط شامل اوامر و نواهی معلوم مولا باشد ولی در مورد خداوند متعال، از آنجا که ملاک خالقیت و منعیت و

مالکیت در حد نهایت وجود است، حق اطاعت نیز وسیع ترین دایره شمول را دارد به طوری که تکالیف احتمالی و مظنون و حتی موهوم مولا را هم در بر می گیرد. دلیل ایشان بر این مدعا شهادت وجدان است.

بر اساس اصل حق الطاعه انسان باید در زندگی و حیات، تکلیف خود را شناخته و آن را ادا کند. در نگاه این اصل، آدمی موجودی است که بالاصاله مکلف است و اصولاً در فضای تکلیف زاده شده است؛ از آنجا که حق اطاعت و سعه‌ی مولویت مولی بر همه هستی و از جمله بر انسان‌ها سایه افکنده است، اصل اولیه تکلیف انسان است، مگر در جایی که به عدم تکلیف علم پیدا شود.

فصل اول

مفاهیم و کلیات

۱-۱- بیان مسأله تحقیق

مسأله و محل نزاع این است که در موارد احتمال تکلیف غیر مقارن با علم اجمالی، یا در شبهات بدوی، قبل از ملاحظه ترخیص یا احتیاط شرعی، مقتضای حکم عقل چیست؛ احتیاط است؟ یا براءت؟ آیا عقل حکم می‌کند در موارد احتمال تکلیف باید از جهت رعایت احتمال احتیاط کرد؛ یا اینکه چون بیانی بر واقع قائم نشده است؛ انسان آزاد و رهاست و عقابی (استحقاق عقاب) بر ارتکاب یا اجتناب محتمل الحرمة یا محتمل الوجوب مترتب نمی‌شود؟

با توجه به مولویت ذاتی خداوند؛ حق اطاعت اولاً و بالذات مخصوص خداوند است؛ زیرا او خالق و مالک جهان و انسان و ولی نعمت اوست، پس بنا به حکم عقل همه‌ی بندگان مکلف به عبادت و اطاعت از دستورات او هستند؛ زیرا شکر منعم عقلاً واجب است. بدین دلیل اطاعت از خداوند هم چون عبادت او بر همگان لازم است.

شهید صدر (ره) معتقد است دایره‌ی حق مولویت مولا وسیع است و این امر مخصوص تکالیف قطعی نیست، بلکه شامل تکالیف محتمل هم می‌شود. دلیل ایشان این است که مولویت مقوله‌ای مشکک است که عقل آن را به واسطه ملاکاتی چون «شکر منعم» و «خالقیت» و «مالکیت» درک می‌کند و هر جا که ملاک مولویت بیش تر محقق باشد حق اطاعت موسّع تر است به گونه‌ای که ممکن است در برخی مراتب ملاک سعۀ حق فقط شامل اوامر و نواهی معلوم مولا باشد ولی در مورد خداوند متعال از آنجا که ملاک خالقیت و منعمیت و مالکیت در حدّ نهایت است؛ حق اطاعت نیز وسیع‌ترین دایره‌ی شمول را دارد به طوری که تکالیف احتمالی مولا را هم در بر می‌گیرد دلیل این هم شهادت وجدان است. بنابراین به عقیده شهید صدر (ره)، در مورد شک در تکلیف عقل به اشتغال و

احتیاط حکم می‌کند و اصل برائت عقلی جاری نمی‌شود.^۱

۱-۲- ضرورت، اهمیت و جایگاه موضوع

برائت و احتیاط عقلی از مسائل پر دامنه و دقیق اصولی است که از اهمیت بسیاری در این علم برخوردار است. این بحث نه تنها در بخش اصول عملیه، بلکه در مباحث دیگر اصولی نیز تأثیر بسزایی دارد.

آیت الله شهید محمد باقر صدر (ره) با طرح نظریه «حق الطاعه» پایه و اساس قاعده «قبح عقاب بلا بیان» و برائت عقلی را مردود دانسته اند، ایشان به دلایلی که بر صحت برائت اقامه شده بود پاسخ گفته اند و اصل را بر احتیاط عقلی قرار داده اند. شهید صدر (ره) با این نظریه کار برد دقیق برائت و احتیاط را در مباحثی همچون تنجّز علم اجمالی، حجیت قطع، امارات و تجرّی بیان نموده اند. در طی چند سال اخیر نظریه «حق الطاعه» مورد توجه و تأمل محققان و دانشمندان اصولی قرار گرفته است. امروزه در بررسی و فهم دقیق علم اصول نمی‌توان به راحتی و با بی‌اعتنایی از این نظریه گذر کرد.^۲

۱-۳- انگیزه انتخاب موضوع

در دنیای کنونی که همگان حق محور شده اند و فقط به فکر حقوق و مطالبات خود هستند و نه تکالیف خود و نگرانی آنها انتظار بشر از دین است، نه انتظار دین از بشر، این نظریه شهید صدر (ره) می‌تواند راه گشا باشد و دیدگاه‌های افراطی را تعدیل کند.

بر پایه نظریه حق الطاعه، انسان باید تکلیف خود را در زندگی بشناسد و آن را ادا کند. در نگاه این نظریه، آدمی موجودی است اصالتاً مکلف، و در اصل، در فضای تکلیف زاده می‌شود؛ از آنجا که حق اطاعت و سعه مولویت مولا، بر همه هستی و از جمله بر انسان‌ها سایه افکنده است، اصل اولیه، تکلیف است، مگر در جایی که به نبودن آن علم پیدا شود.

برخی اطاعت از خداوند را تکلیف بشر دانسته و فرد را موظف به پیروی از احکام شرع می‌دانند؛ اما

۱. صدر، محمد باقر، دروس فی علم الاصول، ج ۳، ص ۲۸

۲. صدر، محمد باقر، دروس فی علم الاصول، الحلقه الثالثه، ص ۳۳۳

برخی دیگر به «حق مداری» به جای «تکلیف محوری» معتقدند و انسان را آزاد دانسته، تکلیف را با کرامت فرد ناسازگار می‌شمارند و از این رو اطاعت از خداوند را به عنوان یکی از حقوق بشر قلمداد می‌کنند؛ حقوقی که بشر می‌تواند آن‌ها را استیفا کند؛ یعنی امر مولا را امتثال کند و یا از حق خود بگذرد و از استیفای آنها صرف نظر نماید؛ یعنی می‌تواند امر مولا را امتثال ننماید.

این امر که آیا اطاعت از خداوند حق انسان است یا تکلیف و وظیفه او؟ از جمله مسائل مهم و پردامنه و وسیع شمولی است که ذهن بسیاری را به خود مشغول ساخته و زمینه‌ی بحث و بررسی در خصوص آن را فراهم ساخته است.^۱

۱-۴- سوالات تحقیق

سوال اصلی

حقیقت اطاعت عبارت از چیست؟

سوالات فرعی

آیا علم اجمالی حجیت دارد؟ آیا علم اجمالی در تنجز تکلیف مانند علم تفصیلی است؟

آیا قطع به عدم تکلیف می‌تواند برای مخالفت تکلیف عذر شمرده شود؟

قاعده قبح عقاب بلا بیان چه تفاوتی با نظریه‌ی حق الطاعه دارد؟

در نظریه حق اطاعت برای استنباط حکم شرعی چگونه عمل می‌نماییم؟

چگونه امارات با اینکه از جمله ظنون می‌باشند و مصداق لا بیان اند منجز هستند؟

آیا حق اطاعت فقط شامل تکالیف یقینی می‌شود؛ یا احکام اخلاقی و ظنی و احتمالی هم دائر مدار

اطاعت است؟

اطاعت از خداوند حق یا تکلیف؟

منشا حق اطاعت چیست؟

حدود حق اطاعت خداوند تا کجاست؟

۱. سبحانی نیا، محمد تقی، مجله معرفت، شماره ۱۰۱، ص ۴۹ الی ۵۶

۱-۵- ثمرات نظریه حق الطاعه

۱-۵-۱- ثمرات فقهی نظریه حق الطاعه

ثمرات فقهی نظریه حق الطاعه در احتیاط در انجام عبادات، معاملات و به طور گسترده در روابط اجتماعی معلوم می‌گردد.

بحث احتیاط در فقه از آن جهت است که در کنار اجتهاد و تقلید یکی از راههای امثال تکلیف است. احتیاط در فقه عبارت است از حکم شارع به لزوم انجام همه احتمالات تکلیف یا اجتناب از همه آنها؛ در موارد امکان احتیاط؛ هنگام شک و عدم دستیابی به واقع.

احتیاط شرعی، حکم شارع به احتیاط است با قطع نظر از حکم عقل به آن. تنها موردی که به اجماع، موضوع احتیاط شرعی است، احتیاط در امور مهم از نظر شرع است. مانند: ریختن خون یا آبروی دیگری خواه مورد شبهه از شبهات حکمی باشد یا موضوعی. بنابراین؛ کشتن یک انسان یا ریختن آبروی وی به مجرد احتمال مهدورالدم بودن یا غیر محترم بودن او جائز نیست.

پس به قول مشهور، احتیاط به نحو مطلق چه در عبادات و چه در توصلیات دارای حسن عقلی و استحباب شرعی است.

پس شخص مکلف گاهی در اصل تکلیف شک دارد و گاهی در متعلق تکلیف، یعنی مکلف به. در صورتی که شک درباره‌ی اصل تکلیف باشد، اصل براءت جاری خواهد بود و در شبهات وجوبی حکم به عدم وجوب و در شبهات تحریمی حکم به عدم حرمت می‌شود. اما در صورتی که اصل وجود تکلیف ثابت و قطعی باشد و مکلف نوع تکلیف را هم بداند ولی درباره‌ی چیزی که تکلیف به آن تعلق گرفته، شک داشته باشد، نمی‌توان اصل براءت را جاری ساخت، بلکه در این مورد مجرای اصل احتیاط است؛ زیرا مکلفی که یقین به وجود تکلیف الزامی دارد و نوع تکلیف (وجوب یا حرمت) هم برای او معلوم است باید به هر صورت از عهده‌ی این تکلیف یقینی برآید و به تعبیر اصولیان «اشتغال ذمه یقینی، نیاز به براءت یقینی دارد».

اصولیان و اخباریان درباره‌ی اجرای اصل احتیاط در مورد شک در مکلف به اتفاق نظر دارند و در آن اختلافی نیست.

هرچند در موارد شک در تکلیف، چه شبهه تحریمی و چه شبهه وجوبی، می توان اصل برائت را جاری کرد، هیچ تردیدی وجود ندارد که هم از جهت عقلی و هم از نظر شرعی رعایت احتیاط در همه حال نیکو و پسندیده است؛ یعنی، در مواردی که احتمال حرمت وجود دارد، شایسته است که مکلف از ارتکاب آن عمل خودداری نماید و در مواردی که احتمال وجوب وجود دارد، مناسب است که آن کار را انجام دهد. بنابراین گرچه رعایت احتیاط در همه‌ی شبهات لازم و ضروری نیست، حسن احتیاط در همه‌ی موارد ثابت است، مگر فرضی که شارع مقدس اجازه ترخیص را صادر فرموده یا مواردی که موجب اختلال نظام زندگی بشری شود، مثلاً باعث عسر و حرج یا وسواس شود.

مثال (۱) هرگاه مکلف بداند که در میان لیوان‌های درون یک سینی یک لیوان نجس از شراب وجود دارد که طبعاً نوشیدن مایع درون آن حرام است؛ اما به صورت تفصیلی نداند کدام لیوان نجس است، در اینجا علم اجمالی به ثبوت یک تکلیف تحریمی دارد و می‌داند که نوشیدن مایع یکی از این لیوان‌ها ممنوع است، اما اینکه این تکلیف به کدام نوشیدنی تعلق گرفته معلوم نیست. در این گونه موارد اصولیان معتقدند که مکلف باید احتیاط را رعایت کند و از همه‌ی لیوان‌ها اجتناب کند؛ زیرا فقط در این صورت است که به طور یقینی با دستور شارع موافقت کرده است.

مثال (۲) اگر شخصی یقین داشته باشد که بخشی از اموالی که در این مغازه در معرض فروش قرار گرفته مسروقه و مال غیر است و طبعاً خرید و فروش آن ممنوع و باطل است، اما تفصیلاً نداند که کدام یک از این اجناس مسروقه است، در این صورت به وجود تکلیفی الزامی علم اجمالی دارد اما نمی‌داند این تکلیف تحریمی به معامله بر روی کدام یک از اجناس مغازه تعلق گرفته است. در اینجا باید به مقتضای اصل احتیاط از خرید و فروش همه‌ی اجناس این مغازه اجتناب کند و هیچ یک از این اموال را نمی‌تواند خریداری کند.

مثال (۳) شخصی که جهت قبله را نمی‌داند و امکان اطلاع از آن را ندارد، باید احتیاط نموده و به چهار جهت نماز بخواند تا یقین کند که نماز واجب خود را عرفاً به سمت قبله به جای آورده است. ثمرات فقهی نظریه حق الطاعه این است با جاری کردن اصل احتیاط در عبادات و معاملات به انجام تکلیف خود یقین حاصل نمائیم تا حق اطاعت پروردگار را به جای آورده باشیم.^۱

۱. قافی، حسین / شریعتی، سعید، اصول فقه کاربردی، ج ۳، صص ۱۱۴ و ۱۱۵

مثال ۴) احتیاط در روابط اقتصادی و مالی

قرآن کریم در مورد قرض و خرید و فروش برای جلوگیری از زیانها و اختلافات احتمالی، مسلمانان را به نوشتن و ثبت بدهی در معاملات و همچنین شاهد گرفتن در معاملات نقدی توصیه کرده و در صورت مقدور نبودن ثبت، به گرفتن وثیقه سفارش کرده است.

«یا ایها الذین آمنوا اذا تدایتمت بدین الی اجل مسمی فاکتبه ... الا ان تکون تجاره حاضره تدیرونها

بینکم فلیس علیکم جناح الا تکنبوه و اشهدوا اذا تبایعتم» بقره/۲۸۲

«و ان کنتم علی سفر و لم تجدوا کاتباً فرفهن مقبوضه» بقره/۲۸۳

مثال ۵) احتیاط در روابط اجتماعی

قرآن کریم درباره‌ی برقراری ارتباط و دوستی با دشمنان اسلام به مسلمانان هشدار داده است.

آل عمران/۱۱۸

مائده/۵۱

مثال ۶) قرآن کریم از تهمت به زن بیگناه نهی فرموده و به مردان و زنان نامحرم سفارش شده که

چشم خود را از نگاه به نامحرم بپوشند. نور/۲۴

همچنین از وارد شدن ناگهانی و سرزده کودکان و بردگان در اوقات خصوصی به مکان استراحت

همسران نهی فرموده است. نور/۲۴

مثال ۷) خداوند در قرآن کریم به پیامبر و مسلمانان فرمان می‌دهد که در حال جنگ همه شما

یکباره به نماز نایستید، بلکه باید گروهی مسلحانه به نماز بایستند و گروهی دیگر مراقب باشند.

نساء/۸۲، ۱۰۲

انفال/۶۶، ۶۰

مثال ۸) درباره اخبار و گزارشهایی که به انسان می‌رسد، به ویژه آنجا که منشأ خبر شخص غیر

موتق باشد باید تحقیق و تفحص کرد؛ راز لزوم این تفحص جلوگیری از آسیبهای احتمالی به دیگران و پشیمانی انسان است.

حجرات/۴۹

۱- ۵- ۲- ثمرات حقوقی نظریه حق الطاعه

اصطلاح اصل برائت در تعبیر حقوقی سه کاربرد دارد: برائت از تکلیف (معادل از برائت اصولی)، برائت از اتهام و مجازات و برائت ذمه از دین.

اصل برائت از آنجا که با حقوق و آزادی‌های اساسی افراد گره خورده است معمولاً ماده یا موادی از قانون اساسی کشورها را به خود اختصاص می‌دهد و بسیاری از قانونگذاران به این هم بسنده نکرده و در قوانین عادی به ویژه قانون آئین دادرسی کیفری نیز آن را می‌آورند.^۱

در اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ به صراحت این اصل پیش بینی شده است: «اصل برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت شود.»

عقل می‌گوید: مجازات پیش از بیان قبیح است؛ تکلیف ما لا یطاق جائز نیست؛ اصل بر آزادی اراده و حق است و برائت استصحاب حالت سابق است. شرع نیز همین موارد را بیان می‌کند.

آیه شریفه ۷ سوره طلاق مقرر می‌دارد: «خداوند مردم را فقط به آنچه که به آنها داده است تکلیف می‌کند.»

آیه شریفه ۱۵ سوره اسراء مقرر می‌دارد: «تا زمانی که پیامبری را نفرستاده ایم کسی را عذاب نمی‌کنیم.»

همچنین حدیث شریف رفع و روایت معروف «کل شیء مطلق حتی یرد فیه نهی»؛ «همه چیز آزاد و مباح است تا منعی برای آن برسد.»

علاوه بر این دلایل اجماع فقهاء نیز بر تأیید اصل برائت متهم از جرم در حقوق و احتیاط در مورد جاری کردن حکم به متهم و لزوم بررسی دقیق است.

در دعاوی کیفری اصل بر برائت متهم بوده، در دعاوی حقوقی نیز اصل بر برائت خوانده می‌باشد. بنابراین در هر دو مورد باید دلیل محکومیت وجود داشته باشد و برائت نیز اعم از آن است که قانون به نفع متهم یا خوانده تفسیر شود یا موضوع را به نفع وی قرار دهیم.

۱. قافی، حسین / شریعتی، سعید، اصول فقه کاربردی، ج ۳، ص ۹۵